

توصیه امیرالمؤمنین (علیه السلام) به داشتن تقوای ویژه

در این روایت امیرالمؤمنین (صلوات الله علیه) می فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ»، تقوا پیشه کنید؛ «تَقِيَّةً»، تقوا پیشه کردن کسی که این خصوصیات را دارد؛ بزرگترین فزانه تاریخ، بعد از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است؛ یعنی باید با همان عمق نگاه کرد به این کلمات؛ [چون] خیلی چیزهایی هست که در لفظ و ترجمه نمی آید، باید با اعتنا و اطمینان با بزرگی گوینده، خود انسان فکر کرد و اعماق آن را پیدا کند. انسانهای فرزانه واقعاً اینطور برخورد می کنند با این جور کلمات. «سَمِعْتُ فَتَحَ»؛ آن کسی که شنید سخنی را و در مقابل آن دل او رام شد و خاشع شد. خشوع بمعنی تواضع کردن نیست و با خضوع فرق دارد. خشوع این است که انسان در درون، تسلیم یک



یکی از ویژگی های مسئولین در حکومت اسلامی از دید امیرالمؤمنین (ع) اثبات توانمندی و بعد از امتحان کردن وی است. آن حضرت در عهدنامه مالک اشتر به وی اخطار می کند که مبادا کسی را از سر رفاقت و دوستی به مسئولیتی بگمارد.

کاری انجام بدهند ندارند [به خاطر] آن نشی و به اصطلاح آن حالت لختی و ماندن اینها کاری انجام نمی دهند؛ اما طی هست که به مجرد اینکه آن شخص خطی کرد، بلند می شود، «باید» یعنی [این، حاذر فایز»] یعنی [بالافاصله مبادرت کند

شرح حکیمانه رهبر معظم انقلاب بر فرازهایی از نهج البلاغه

تقوا در کلام امیرالمؤمنین (ع)

واقم بکنند. «حَازِرٌ فَيَازِرٌ وَأَبْرَقٌ فَاحْتَنِرُ»؛ وقتی به چیزی یقین پیدا کرد، آنچه یقینات او است، آنها را دیگر بخوبی انجام بدهد. «وَعَوِّزٌ فَاعْتَبِرْ»؛ در معرض عبرتها قرار بگیرد و عبرت بگیرد؛ نه اینکه عبرتها فراوان باشد و انسان عبرت نگیرد. لازمه تقوا عبرت گرفتن است؛ یعنی یکی از نتایج تقوا این است که انسان عبرت می گیرد. آدم بقیه بی تقوا و غافل، هزار عبرت هم از مقابلش عبور می کند و هیچ چیز سرش نمی شود و عبرت هم نمی گیرد. «حَذِرٌ فَخَذِرْ وَزَجِرٌ فَارْزَعْ»؛ «حَذِرٌ»؛ پروتدای عالم، بنحیمبران و داعی آسمانی انسان را برحذر بدارد از یک کاری و او بالافاصله از این کار دست بکشد. «وَ أَجَابُ فَنَاجٍ وَ رَاجِعُ فَتَابٍ» که واقعاً این عبارتها به قدری بر مغز و ضمناً زیبا و مدنی است که انسان حیرت می کند؛ در واقع اینها هفت دست ماهها می افتد و ما دستمالی اش می کنیم؛ واقعاً حیف است که این جور ما حالا کلمه کلمه و بدون اینکه آن لطافتهای ادیبی اش درست روشن بشود برای خودمان، می خوانیم، الهات است به این کلمات؛ به یک معنا شاید بشود گفت الهات است ولی خوب حالا چون برای علم است می خوانیم. «أَجَابُ فَنَاجٍ» یعنی پاسخ دعوت الهی را بده و این پاسخ دادن به «حاذِرٌ» یعنی کسی که استنشام می کند خطری که تقوای او است، تذکر پیدا می کند. «وَ وِجَلٌ»؛ یعنی کسی که استنشام می کند خطری را از طرف مقابل، از یک نفرهای؛ خوب بعضی آدمهایی که خطری را استنشام می کنند هستند که تنبلی به خرج می دهند؛ یعنی واقعاً می فهمند یک خطری هم هست اما حوصله اینکه حالا یک

حقیقتی، یک عظمتی بشود، قلب او تسلیم و رام بشود و در مقابل یک عظمت - به این می گویند خشوع، تقوای چنین کسی را داشته باشید که سخنی را می شنود و در مقابل عظمت آن سخن و حقاقت آن سخن، در دل تسلیم می شود. «وَ اقْتَرَفُ فَاتْرَفَ»، تقوای کسی که پا در ورطه خطا گذاشته اما اعتراف می کند که خطا کرده و پا در ورطه خطا گذاشته؛ این لازمه تقوا است. کسی تقوا نداشته باشد، تا گناه کرد و اشتباهی از او سر زد، فوراً اعتراف می کند که اشتباه کرده؛ آدمی که تقوا نداشته باشد، غافل باشد، نه، صد [جوراً] گناه هم می کند و اصلاً نمی فهمد که گناه کرده، نمی فهمد اشتباه کرده؛ در یک قرآن هست «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَا مَنَّهُمْ طَبِيفٌ مِّنَ السُّبُطِنِ تَذَكَّرُوا»، به مجرد اینکه باد شیطان به تنش می خورد، این فوراً به خود می آید و تذکر پیدا می کند. «وَ وِجَلٌ»؛ یعنی آن کسی که کاندیشناک بشود فیما بین او و بر اثر این اندیشناک شدن عمل بکنند؛ یعنی صرف اندیشناک شدن و ترسیده شدن در دلی که در عمل انسان تأثیری نداشته باشد نیست. «حَازِرٌ» فایز»؛ نسبت به چیزی حالت هشدار پیدا کند و بالافاصله عمل کند. من امروز چون بعد از «حَازِرٌ» هم یک «حَذِرٌ» دارم، گفتم؛ به تنه نگاه کنیم نسبت تفاوت اینها چیست؟ به نظرم این جور رسید که «حَازِرٌ» یعنی کسی که استنشام می کند خطری را از طرف مقابل، از یک نفرهای؛ خوب بعضی آدمهایی که خطری را استنشام می کنند هستند که تنبلی به خرج می دهند؛ یعنی واقعاً می فهمند یک خطری هم هست اما حوصله اینکه حالا یک

نیازمندی های کمیته ان
تلفن: ۰۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۰۵۳-۳۳۱۱۸۰۵۳
niraz.mandiha@kayhan.ir

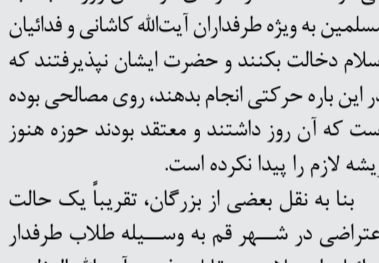
ضرورت دقت در گزینش کارگزاران می فرمایند: «نَظَرَ فَمَنْ أَمَرَ عَمَّالَكَ»، نظر کن در کار کارگزارانت، یعنی آن کسانی که تو می گماری. این امیرالمؤمنین است که دارد به یکی از استانداردهایش امطالی را بیان می کند؛ استانداردی که اختیاراتی دارد. البته اگر بخوایم مثلاً با امروز مقایسه کنیم، حوزه اختیارات یک وزیر احتمالاً بیشتر از آن چیزی است که آن روز مثلاً برای مالک اشتر فرض می شد. «فَاسْتَمَعَلَهُمْ»؛ «اِخْتِيارًا»؛ کارگزارانی را که انتخاب می کنی - اعم از معاونین و مدیران و آن کسانی که تو انتخاب می کنی - به کار بگمار از سر اختیار و آزمایش یعنی کسی را که به کار می گماری، از آزمایش کرده باشی و در او یک کارایی و اماتت متناسب با این کار را مشاهده کرده باشی و بعد بر سر این کار بگماری. «وَ لَتَوَلَّيْهُمْ مُجَابَةً وَأَثَرَةً»؛ مبادا کسی را که انتخاب می کنی، محاباتی - یعنی از

تاریخ شفاهی انقلاب به روایت حاج حبیب الله عسکر اولادی

آیت الله کاشانی، پرچمدار مخالفت با رژیم صهیونیستی

اگر نسل جوان در تاریخ فداییان اسلام می خواند که فداییان اسلام در قم و در بیت آیت الله بروجردی تحصن کرده بودند و از حضرت ایشان می خواستند که در کارهای دولت آن روز نسبت به مسلمانین به ویژه طرفداران آیت الله کاشانی و فدائیان اسلام دخالت نکنند و حضرت ایشان نپذیرفتند که در این باره حرکتی انجام بدهند، روی مصالحی بوده است که آن روز داشتند و معتقد بودند حوزه هنوز ریشه لازم را پیدا نکرده است.

سال ۱۳۲۶ اولین تجربه بازداشت سال ۱۳۲۶ یعنی سال سوم طلبدگی ام، اولین بازداشت را تجربه کردم. یک حرکت و راهپیمایی ضد فصب سرزمین مقدس فلسطین به دعوت آیت الله کاشانی جلو مدرسه عالی استاد مطهری امروز داشتیم. در آنجا درخیمان با ما حمله کردند. شهدا و مجروحین ناشناسی به تعدادی دستگیری شدند. تعدادی مثل بنده با شناسایی های مختلف به دنیالمن آمدند و دستگیر کردند. اولین دستگیری بنده در سال ۱۳۲۶ است، در شرایطی که مرحوم آیت الله کاشانی را دستگیر و به کرمانشاه و بعد به لنین تبعید کردند. ایشان از لنین با اعلامیهها و ضبط صدا، بخش مذهبی را در حد یک فقیه برجسته اداره می فرمودند. در قم حاقفل پنج مرجع بزرگ و در تخت شش مرجع بزرگ داشتیم ولی رفته رفته در ایران به جانب آیت الله بروجردی حرکت می کرد. ایشان هم مصلحت خوششان نمی داشتند که قبل از استحکام مرجعیت و حوزه، با رژیم درگیری داشته باشند. اگر نسل جوانمان در تاریخ فداییان اسلام می خوانند که فداییان اسلام در قم و در بیت آیت الله بروجردی تحصن کرده بودند و از حضرت ایشان می خواستند که در کارهای دولت آن روز نسبت به مسلمانین به ویژه طرفداران آیت الله کاشانی و فدائیان اسلام دخالت نکنند و حضرت ایشان نپذیرفتند که در این باره حرکتی انجام بدهند، روی مصالحی بوده است که آن روز داشتند و معتقد بودند حوزه هنوز ریشه لازم را پیدا نکرده است.



علی رغم رابطه صمیمی میان آیت الله بروجردی و آیت الله کاشانی که از دوره شاکردی در محضر مرحوم آخوند خراسانی شکل گرفته بود، آیت الله بروجردی حفظ کبان حوزه در روزگار متشنج بعد از سقوط رضاخان را بر مبارزه سیاسی اولویت بخشید.

شورق - غرب
شمال
جنوب
مرکز
شهری
سعدی
شرق استان تهران
اسلامشهر
چهار دانگه

مهندسی مشاور زمین کلبد
شرکت توان پیمایش امن
تولید و پخش صنعتی
فروش اقساطی

گوشی موبایل و سیسکارت
پرین خریدار تلفنی در محل شما
تعدادی راننده وانت
نیسان با وسیله
تیار مندیی

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده
به شماره ثبت ۶۶۳۳۳ تهران و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۲۴۳۳

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده
به شماره ثبت ۶۶۳۳۳ تهران و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۲۴۳۳

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده
به شماره ثبت ۶۶۳۳۳ تهران و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۲۴۳۳

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده
به شماره ثبت ۶۶۳۳۳ تهران و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۲۴۳۳

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده
به شماره ثبت ۶۶۳۳۳ تهران و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۲۴۳۳

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده
به شماره ثبت ۶۶۳۳۳ تهران و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۲۴۳۳

دکمه و ویلایی ناز
خرید و فروش
کلیه املاک

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده
به شماره ثبت ۶۶۳۳۳ تهران و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۲۴۳۳

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده
به شماره ثبت ۶۶۳۳۳ تهران و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۲۴۳۳

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده
به شماره ثبت ۶۶۳۳۳ تهران و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۲۴۳۳

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده
به شماره ثبت ۶۶۳۳۳ تهران و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۲۴۳۳

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده
به شماره ثبت ۶۶۳۳۳ تهران و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۲۴۳۳

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده
به شماره ثبت ۶۶۳۳۳ تهران و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۲۴۳۳

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده
به شماره ثبت ۶۶۳۳۳ تهران و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۲۴۳۳

ویره نامه تخصصی خودرو